

انسان‌ها دارای قوه خلاقیت هستند؛ برخی در یک زمینه دارای خلاقیت بیشتر و برخی در زمینه‌ای دیگر. خلاقیت می‌تواند توسط معلمان در دانش‌آموزان شکوفا گشته و یا از بین برود. بنابراین باید محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت دانش‌آموزان فراهم آورد.

مفهوم خلاقیت

خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن‌هاست. تلفن، اتومبیل، هواپیما، رادیو، تلویزیون، رایانه، الکترونیک، قدرت اتمی و مسافرت‌های فضایی و خلق ادبیات و انواع هنرها و ... نقاط عطفی از اختراعات و اکتشافات و نمودی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است.

بنابراین، برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، نیازمند تفکری خلاق و نوآور هستیم؛ خلاقیتی که در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی ما تأثیر دارد. تحولات سریع عصر کنونی ما، نیازمند حل مسائل و مشکلات به گونه‌ای خلاق است.

هرچند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید دانست که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده‌ای که ما با آن‌ها مواجه خواهیم شد نیست، تنها نیروی فوق‌العاده و قدرتمند خلاقیت است که می‌تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق‌العاده‌ای از سر راه بشر بردارد. روان‌شناسان در

گذشته محور بحث روان‌شناسان از خلاقیت <شخص خلاق یا فرایند خلاق> بود. امروزه نیز اگرچه بسیاری از اندیشمندان به خلاقیت به عنوان یک فرایند می‌نگرند، اما تعریف آنان از خلاقیت، مبتنی بر ویژگی <مولد بودن> است. شاید به جرات بتوان گفت که جامع‌ترین تعریف خلاقیت توسط <گیلفورد> دانشمند آمریکایی عرضه شده است. او خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت‌های جدید برای مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است. افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران متفاوتند و از عرف و عادت دور شده روش‌های خلاق و جدید را به کار می‌برند. برعکس کسانی که از این خصوصیت برخوردار نیستند، تفکر همگرا دارند و در فکر و عمل خود از عرف و عادت پیروی می‌کنند. پس تفکر واگرا یعنی دور شدن از یک نقطه مشترک که همان رسم و سنت و عرف اجتماع است و تفکر همگرا یعنی نزدیک شدن به آن نقطه. امروزه ثابت شده است که برخلاف باور بسیاری که ابداع و خلاقیت را خصوصیت ذاتی بعضی افراد می‌دانند، این استعداد در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد و می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. در چند دهه اخیر پژوهش‌های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، عموماً به این نتیجه رسیده است

است در زمینه‌ای خاص خلاقیت داشته باشد. از هر کسی در هر زمینه نمی‌توان انتظار خلاقیت و ابتکار داشت. باید این بسترها و علایق و زمینه‌ها را شناسایی کرده و زمینه رشد آن‌ها را فراهم نمود.

معلم و شیوه‌های پرورش تفکر اخلاق
تعلیم و تربیت به یک معنا عبارت است از رشد قوه قضاوت صحیح در افراد. تقلید از دیگران یا پیروی از تمایلات و عادات، سبب رکود فکری و عجز فرد در برابر مسائل و مشکلات می‌شود. امروزه جامعه نیازمند افرادی است که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار می‌دهند و مشکلات را به گونه ابتکاری از سر راه خود برمی‌دارند. اجمالاً وظایف یک معلم در تحقق این هدف بدین شرح است:

* دانش‌آموزان را به داشتن ایده‌های بکر و نو تشویق نماید؛ ایده‌هایی که کم و بیش برای خود آن‌ها بکر است. ضمن پذیرش ایده‌های بکر، زمینه ابراز آن‌ها را فراهم کند. مثلاً می‌توان از دانش‌آموزان خواست که به جای ارائه گزارش ساده از یک کتاب، آن را شخصاً ارزیابی کرده و هر نظری که درباره آن دارند بیان کنند و یا این که فصلی از فصل‌های سال را توصیف کنند به طور کلی، نقاشی‌های آزاد، مقاله‌نویسی و نگارش داستان‌های کوتاه، زمینه ارائه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش‌آموزان را بهتر فراهم می‌کند.

یا گوش دادن به سخنان معلم و حفظ کردن حقایق علمی و تاریخی، رشد قوه ابتکار شاگردان را به دنبال ندارد. معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند.

* معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده‌های خود را اعلام کنند و این ایده‌ها را روی تخته کلاس درس نوشته و پس از طرح مسائل و ایده‌های خود به آنان اجازه دهد که این مسائل را نقد و بررسی کرده و مورد آزمایش قرار دهند. شیوه‌های گوناگون تدریس

معلم باید در جریان تدریس و فرایند تعلیم و تربیت، شیوه‌های مختلفی را به کار برد؛ از جمله، روش حل مسأله، روش تهیه طرح یا پروژه، روش بحث آزاد و پروژه‌های گروهی و جمعی متناسب با موضوع و موقعیت درسی.

فعال شدن شاگردان در کلاس

کلاس‌های درس را می‌توان به جای <معلم محوری> به صورت <فراگیر محوری> اداره کرد؛ در کلاس فراگیر محوری، دانش آموز در امر یادگیری دخالت مستقیم و اساسی دارد.

معلم راه‌های یادگیری را به شاگردان دیکته نمی‌کند، بلکه شیوه‌های مختلف یادگیری را پیش پای آنان قرار می‌دهد تا با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود مسیر و روش یادگیری را جستجو نمایند. به جای این که معلم برای دانش آموزان اطلاعات

معلم در این شیوه تدریس، راهنماست و نقش یاری دهنده و هدایتگر را ایفا می کند.

استفاده از روش بارش مغزی Storming brain در روش بارش مغزی، پس از این

که مسأله ای در کلاس ارائه شد، معلم از دانش آموزان می خواهد تا هر تعداد راه حل را

که می توانند برای مسأله بنویسند. معلم پیش از ارائه همه راه حل ها به وسیله

دانش آموزان، نباید هیچ گونه اظهارنظری در این خصوص بنماید. این روش، شبیه

روش تداعی آزاد است که در روان کاوی مورد استفاده قرار می گیرد.

ایجاد زمینه تفکر

معلم باید زمینه ای فراهم سازد که همه دانش آموزان تفکر کنند و بدون نگرانی تفکرات

خویش را اظهار نمایند. هرچند شاگردان در فرایند تفکر ممکن است اشتباه کنند، اما

مهم، تفکر و پرورش فکر است. در این گونه کلاس ها پاسخ صحیح و غلط شاگرد

برای معلم ارزش یکسان خواهد داشت؛ زیرا به هر حال دانش آموز به تفکر واداشته

شده است.

به عبارت دیگر، باید به دانش آموزان اجازه داده شود تا اشتباه هایی را مرتکب شوند؛

زیرا ممکن است اشتباه ها به بینش های مثرثمری منتهی شوند. معلم باید شرایط

آموزشی را به گونه ای ترتیب دهد که شاگردان مطمئن شوند که اختلاف نظر آنان با

معلم مشکلاتی برای آنان نخواهد داشت. به هیچ وجه نباید اندیشه های شاگردان را

طرد کرد زیرا در این صورت آنان به تفکر نخواهند پرداخت.

گرچه معلم تا حد زیادی می تواند ذهن دانش آموز را تحریک کند، اما این امر کافی نیست. گفتار و کردار هنرمندان، متفکران و رهبران مشهور از مهمترین عوامل مؤثر در تحریک انرژی خلاق در دیگران است.

شاعران، مورخان، سیاستمداران و دانشمندان بزرگ، در قرون گذشته، از طریق آثار مکتوب خود با ما سخن می گویند.

آتش خلاق آنان می تواند شعله آفرینشگری دانش آموزان را برافروزد و روح اشتیاق رقابت را در آنان بدمد. برای پیشگیری از احساس حقارت دانش آموزان در برابر

بزرگان، باید به آنان گفته شود که انسان های بزرگ هم از اول خلاق نبودند، بلکه با تلاش، پشتکار و پرورش این قوه توانسته اند ابتکارات، نوآوری ها و آفرینندگی را در وجود خود شکوفا سازند.

با شناخت نحوه زندگی و مراحل رشد دانش آموزان، می توان از بروز و پیدایش این احساس در آنها پیشگیری کرد.

تشویق اندیشه ها و پیشرفت های بکر و ناب با پرسش های هر چند غیرمتعارف دانش آموزان، باید برخوردی دقیق و حساب شده داشت؛ اگر دانش آموزی ایده غیرممکنی را بیان کرد، به جای واقع گرایی باید در این تخیل دانش آموز وارد شد.

مثلاً اگر کودکی بگوید: سگ من کتابی نوشته است، معلم جواب دهد: واقعاً؟! حتماً

می توانند اظهار نظر کنند که دنیا در نظر یک سنگ ممکن است چگونه باشد و چطور می شود امور را بهبود بخشید و...

- باید به کودکان عملاً نشان داد که عقاید آنان مورد احترام است.

- اندیشه ها و راه حل های غیر معقول برای مسائل را باید با احترام تلقی کرد. - باید به

آنان فرصت داد تا به طور مستقل یاد بگیرند، آزادانه فکر کنند و به اکتشافات بپردازند.

موانع خلاقیت

موانع خلاقیت را می توان به سه دسته تقسیم کرد: فردی، اجتماعی و سازمانی.

موانع فردی خلاقیت: نداشتن اعتماد به نفس و ترس از انتقاد و شکست، تمایل به

همگونی و عدم تمرکز ذهنی از مهمترین آنها است. به طور کلی موانع فردی خلاقیت

شامل موارد زیر است:

نداشتن اعتماد به نفس، دلسرد شدن، تأکید بر عادت های پیشین، محافظه کاری،

وابستگی و جمود فکری، نبود تمرکز ذهنی، استفاده نکردن از طرفین مغز، مقاوم

نبودن، کمرویی، انعطاف پذیر نبودن.

موانع رشد خلاقیت در دانش آموزان

تأکید زیاد بر نمره دانش آموز به عنوان ملاک خوب بودن

روش های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم محوری

نبود حداقل امکانات لازم برای انجام فعالیت‌های خلاق دانش‌آموزان

اهداف و محتوای کتاب‌های درسی

توجه نکردن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

عدم پذیرش ایده‌های جدید

ارائه تکالیف درسی زیاد به دانش‌آموزان

استهزاء و تمسخر به خاطر ایده یا نظر اشتباه

جهت‌گیری خلاقیت در سازمان‌های آموزشی

* در اغلب آموزش‌های سنتی، فراگیران فقط در معرض مطالب و مهارت‌های ارائه

شده از طرف معلم یا مدیر قرار گرفته و مطابق برنامه از پیش تعیین شده حتی در

جزئیات به پیش می‌روند. در آموزش خلاقانه، فراگیرنده خود نقش فعال ایفا کرده و

مربی به جز در کلیات و جهت اصلی آموزش، نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

* برنامه‌های آموزش و محتوای مطالب حتی الامکان باید موجب رشد و توسعه تفکر

و اگر به جای تفکر همگرا در فراگیران شود.

* شناخت علائق و انگیزه عاطفی و غیرعاطفی هر یک از فراگیران برای پیشبرد امر

آموزشی ضروری است.

* مباحث و فنون مطرح شده در هر مرحله از آموزش و پرورش فراگیرندگان باید

کاربردی ملموس و عملی در زندگی و کار فرد داشته باشد.

شد باید در دوره‌های آموزش خلاقیت مورد تأکید قرار گرفته تا انگیزه بیشتری برای فراگیرنده به وجود آید.

* تجسم وضع آینده مسأله و مقایسه آن با وضعیت فعلی، کمک مفیدی به یافتن راه‌حل‌های بدیع خواهد کرد.

اصولاً استعداد خلاق در محیط‌های مطلوب، شکوفا و متبلور می‌شود بنابراین یکی از الزامات و روش‌های مهم برای تبلور خلاقیت، ایجاد فضای محرک، مستعد و به طور کلی خلاق است.

در سازمان‌های آموزشی علاوه بر این که چنین فضایی باید برای معلمان و مدیران مهیا باشد، معلمان نیز باید زمینه لازم و فضای مطلوب را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

یکی دیگر از شیوه‌های مهم و پرجاذبه پرورش خلاقیت و نوآوری، مشورت است.

اساساً یکی از نشانه‌های رشد اجتماعی، شورا و مشورت است و بدون تردید افرادی

که اهل مشورت هستند از عقل و فکر بیشتری برخوردارند. اسلام نیز انسان را به

شورا و مشورت ترغیب کرده و پیامبر اسلام (ص) نیز از مشورت به عنوان یک اصل

تربیتی استفاده کرده است.

در واقع هر قدر مدیران در سازمان‌های آموزشی از دانش و تجربه کافی برخوردار

باشند، باز هم مشورت با دیگران، افق‌های تازه‌ای را برای آنها خواهد گشود.

اندیشه‌های افراد مختلف به دست می‌آید.

راه‌حل‌های پیشنهادی معلمان:

- * تدوین و اجرای سیاست‌های انگیزشی و تشویقی برای همکاران
- * آموزش نیروی انسانی توسط استادان مجرب در قالب کارگاه‌های تابستانی
- * طرح موضوع به صورت کاربردی در جلسات شورای معلمان
- * تشویق معلمان به آزمایش کردن و کاربرست روش‌های نو
- * ایجاد محیط آزاد و روابط صمیمانه میان معلمان و مدیران رسمی مدارس برای

کاربست یافته‌ها و روش‌های نوین

* تشخیص ارزش کار و تشویق افرادی که به آزمایش روش‌های نوین مبادرت

می‌ورزند.

دانش‌آموزان:

- * رای پرسش‌های دانش‌آموزان باید اهمیت قائل شد و آنان را راهنمایی کرد تا خود
- جواب پرسش‌ها را بیابند. (تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی)
- * عقاید غیرعادی باید مورد احترام قرار گیرد و ارزش آن برای کودکان روشن شود.
- * باید به کودکان نشان داد که عقایدشان دارای ارزش است و عقایدی که امکان
- اجرای آن در کلاس میسر باشد، پذیرفتنی است.
- * گاهی اوقات بدون این که تهدیدی از جهت نمره، ارزشیابی و یا انتقاد در کار باشد،

* هرگز نباید در مورد رفتار دانش آموزان بدون این که علل و نتایج آن مشخص شود، قضاوت کرد.

* تشویق دانش آموزان به داشتن و ارائه اندیشه های بکر.

کتاب های درسی

* تجدید نظر در تدوین بعضی از کتاب های درسی با رویکرد کاربردی متون به ویژه در علوم پایه و فصل بندی موضوعی آن

* تأکید بر فعالیت ها و مهارت های خارج از کلاس و کاربست آموزه های علمی در

زندگی عادی

<http://rahnamaee.parsiblog.com/355965.htm>